

جلسه پنجم: ایمان و پایبندی به تعهدات												
مؤمن واقعی در مقابل همه احکام خدا احساس تعهد می‌کند												
آیات این جلسه		آیات ۴۶ تا ۵۲ و ۵۵ سوره مبارکه نور										
واژگان کلیدی	تکلیف و تعهد	اراده الهی	حکومت در قرآن	شک در دین	خلافت الهی	امنیت						
آیه	نتیجه‌گیری‌ها و نکات کلیدی											
<p>لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُّبِينَاتٍ ۝ وَاللَّهُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿نور: ۴۶﴾</p> <p>همانا نازل ساختیم آیاتی روشن‌گر و خدا هر که را بخواهد به راه راست رهنمون می‌کرد.</p>	<p>۱. اینکه می‌گوئیم هر که را خدا بخواهد، خواست خدا یعنی چه؟ یعنی یک نفر را خدا می‌خواهد، یک نفر را نمی‌خواهد؟ با بعضی‌ها یک نظر خاصی دارد، آنها را می‌کشد، می‌برد، بعضی‌ها را پس می‌زند؟ این جور نیست قضیه. اراده و مشیت خدا - در موارد معمولی البته - جز در قالب علت‌های طبیعی و عادی جلوه‌گری نمی‌کند. ... اراده کردن خدا به این معناست که وسایل و اسباب عادی پیش آمده یا نیامده؛ اگر وسایل و علل عادی پیش آمده برای انجام گرفتن این معلول، با اراده و خواست شما، اینجا خدا خواسته. اگر چنانچه شما نخواستید پیداست که خدا نخواسته؛ نه اینکه نخواستن خدا موجب بشود که شما اراده نکنید؛ نه، شما در اراده کردن آزادید. خدا نخواسته یعنی علت لازم مرتب نشده، این معنی خدا نخواسته.</p> <p>۲. خب چرا نمی‌گوئیم علت لازم مرتب نشده، می‌گوئیم خدا نخواسته؟ برای خاطر اینکه به‌وجود آورنده‌ی علت‌ها و خاصیت‌بخش علت‌ها خدا بود. ... به‌خاطر اینکه خدا آفریننده‌ی علت‌هاست، به این دلیل، این «من پشاه»‌ها در همه جای قرآن از این قبیل است.</p>	<p>وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مِّن بَعْدِ ذَلِكَ ۚ وَمَا أَوْلَىٰكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ﴿نور: ۴۷﴾</p> <p>می‌گویند: به‌خدا و پیامبر ایمان آوردیم و سرپیچیدیم از فرمان نپادیم. آنگاه گروهی از آنان پس از این ادعا، سر از فرمان دین می‌پسند و اینان مؤمن نیستند.</p>	<p>گروهی از آنان [ایمان‌آوردگان] پس از این ادعا [که ایمان آورده‌اند] فرمان خدا و پیغمبر رو برمی‌گرداندند- صحبت از کفار نیست، صحبت از مرتدین نیست که یکپو قهر می‌کنند، از عالم اسلام خارج می‌شوند، می‌روند؛ نه، صحبت از همین مؤمنین معمولی داخل جامعه‌هاست، جامعه‌ی اسلامی - قرآن می‌گوید اینها مؤمن نیستند.</p>	<p>وَأِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مُعْرِضُونَ ﴿نور: ۴۸﴾</p> <p>و چون دعوت شوند به‌سوی خدا و پیامبر که میان آنان حکم و داوری کند، گروهی از آنان را می‌نگری که روی گردانند.</p>	<p>آیه به حسب ظاهر درباره‌ی قضاوت است، تعبیر حکومت در قرآن، غالباً، نمی‌گویم همیشه، به‌معنای قضاوت کردن است، همان چیزی که ما داوری و قضاوت به آن می‌گوئیم، اما مضمون مفاد آیه عام است، چنین نیست که این درباره‌ی کسانی است که تن به قضاوت پیغمبر فقط می‌دهند، نه آن کسانی که تن به فرمان پیغمبر در غیر موارد قضاوت هم می‌دهند، مشمول آیه‌اند و این روشن است.</p>	<p>وَإِن يَكُن لَّهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ ﴿نور: ۴۹﴾</p> <p>و اگر (در ماجرابی) حق به‌جانب آنان باشد، گوش‌به‌فرمان و سرپیراه، نزد پیامبر می‌آیند.</p>	<p>وَإِن يَكُن لَّهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ ﴿نور: ۴۹﴾</p> <p>و اگر (در ماجرابی) حق به‌جانب آنان باشد، گوش‌به‌فرمان و سرپیراه، نزد پیامبر می‌آیند.</p>	<p>أَفِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَن يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولَهُ ۚ بَلْ أَوْلَىٰكُمُ الظَّالِمُونَ ﴿نور: ۵۰﴾</p> <p>آیا در دل مرضی دارند؟ یا به‌دولتی و شک (در امر دین) دچار شده‌اند؟ یا می‌ترسند که خدا و پیامبرش بر آنان ظلم کند؟ حقیقت آن است که آنان خود ستمگراند.</p>	<p>أَفِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَن يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولَهُ ۚ بَلْ أَوْلَىٰكُمُ الظَّالِمُونَ ﴿نور: ۵۰﴾</p> <p>آیا در دل مرضی دارند؟ یا به‌دولتی و شک (در امر دین) دچار شده‌اند؟ یا می‌ترسند که خدا و پیامبرش بر آنان ظلم کند؟ حقیقت آن است که آنان خود ستمگراند.</p>	<p>إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَن يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿نور: ۵۱﴾</p> <p>سخن مؤمنان به هنگامی که نزد خدا و پیامبر برای حکم و قضاوت، فراخوانده شوند جز این نیست که گویند: شنیدیم (دانستیم) و فرمان بردیم. و فقط آنهاست رستگاران و به‌هدف نائل شوندگان.</p> <p>وَمَن يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ الَّذِي يَتَذَقُّهُ فَإُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿نور: ۵۲﴾</p> <p>هر که از خدا و پیامبرش اطاعت کند و از خدا بیم برد و پروا کند، پس منحصراً آنهاست موفق‌شوندگان.</p>	<p>وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا ۚ يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا ۚ وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿نور: ۵۵﴾</p> <p>خدا به‌کسانی که ایمان آورده و عمل شایسته انجام دهند، وعده و نوید داده است، که بدون تردید، آنان را در زمین، خلیفه و جانشین می‌سازد، همان‌طور که پیشینیان را خلیفه ساخت.</p> <p>و آتیشان را که برای آنان پسندیده است، مستقر و پابرجا می‌نماید. و پس از ترس و ناامنی، برای ایشان امنیت ارزانی می‌دارد که:</p> <p>مرا عبودیت کند و کسی را شریک نسازند.</p>	<p>۱. وعده‌ی الهی در این آیه به‌صراحت می‌گوید: ما به مؤمنین وعده کردیم که حکومت روی زمین برای شماست، ایده و آیین و فکر و مکتب شما بر جهان خیمه خواهد زد، ترس و بیمناکی شما بدل به امن و امان خواهد شد، اگر در طول تاریخ زجر کشیدید، جور بردید، بعد از این به راحتی، بی‌دغدغه، بی‌تشویش خواهید زیست و خدا را عبادت خواهید کرد و رقبای خدا را از زمین برخواهید انداخت این وعده مربوط است به مؤمنین متعهد. ... شرط تحقق این وعده چیست؟ شرطش این است که جملات اول آیه محقق شود: خدا وعده داده به کسانی که ایمان بیاورند و عمل شایسته و صالح کنند؛ یعنی طبق تعهدات این ایمان عمل کنند.</p> <p>۲. بعضی خیلی وسواسی می‌شوند و جمود می‌کنند، می‌گویند مخصوص زمان ولی‌عصر صلوات‌الله‌وسلام‌علیه است. شکی نداریم ما در اینکه امام زمان مصادق کامل این آیه است. در این تردیدی نیست؛ اما کجای این آیه نوشته که مخصوص آن زمان است؟ بگویید ببینیم! چرا آیه را محدود می‌کنید؟ مگر خدا با مؤمنین صدر اسلام به این وعده عمل نکرد؟</p> <p>۳. «لیستخلفنهم فی الارض» که جانشینشان سازد بر روی زمین، همچنانی که مؤمنان پیشین را جانشین ساخته است. ما خیال می‌کنیم مؤمنین هر جا بودند از اول عالم، همیشه توسری خوردند، اصلاً تاریخ‌دانی و جهان‌بینی عامه‌ی مسلمان‌ها این است که ایمان یعنی ملازمت با کتک‌خوری؛ مسلم بودن، مؤمن بودن، در راه خدا بودن، ملازم با زجر کشیدن است و شکنجه شدن و کشته شدن و شکست خوردن. درست نقطه‌ی مقابل آنی که قرآن می‌خواهد بگوید. ما یک وقت تشریح کردیم این را که چطور دین از اولی که به‌وجود آمده تا امروز، هم‌ماش پیشرفت داشته و یک قدم عقب‌نشینی نداشته. آنی که خیال می‌کنند عقب‌نشینی است، آن پیشرفت است در واقع.</p> <p>۴. خوف و بیم را به امن و امان تبدیل خواهیم ساخت. تا چه بشود؟ در سایه‌ی این امنیت چه کار کنند؟ امنیت داشته باشند تا بتوانند راحت لم بدهند و لشی کنند و بی‌عاری کنند؟ نه، آن امنیت برای این است که بتوانند در سایه‌ی آن، یک گام و ده گام به‌سوی سرمنزل نهایی انسان، یعنی تکامل، نزدیک بشوند. بتوانند بندگی خدا کنند.</p>